

"نظریه‌های نو" گزارش مجله منظر از کارگاه‌های تخصصی مرکز پژوهشی نظر است که در آن صاحب‌نظران برای نخستین بار یافته‌های نوین خود را که در اثر تأمل در موضوع قدیم بدست آورده‌اند به بحث می‌گذارند. این نظریه‌ها به تدریج در قالب مقاله‌های مستقل به طور مشروح عرضه می‌شود.

سرزمین مهر

گزارش: پدیده عادل‌وند

مهرابه، آتشکده، سقاخانه، مقرنس کاری زیر گنبد، نگارگری، زورخانه، قربانی کردن، نقش شیر و خورشید، نقش سرو، جشن نوروز، جشن شب یلدا، ارسی و بسیاری نمودهای دیگر از جمله در ادبیات فارسی نشان از آمیختگی آنها با فرهنگ مهر دارد. با ملاحظه این مقدمات در پاسخ ایران چیست؟ باید گفت «سرزمین مهر» است؛ زمینی که در اثر ارتباط انسان ایرانی با واسطه مهر فهمیده می‌شود. به عبارت دیگر، «سرزمین مهر» نحوی از تفسیر انسان ساکن در زمین است که وجه و صفت مهری بر آن غلبه دارد.

حال چرا مهر تا این اندازه در ایران مطرح است؟ بی‌شک می‌تواند در ارتباط با ویژگی زمین ایران نسبت به خورشید باشد که زمینه‌های مساعد ظهور آن را در این نقطه فراهم می‌سازد؛ عرض جغرافیایی زمین ایران که منجر به ارتباط خاصی با خورشید می‌شود و به دنبال آن اقلیم ویژه و چهارفصل را از آن خود می‌سازد و با فراهم کردن بستری مناسب برای پیدایش تمدن، انسان‌های تحت پوشش خود را از نبوغ و توانمندی‌های خاص انسانی نیز بهره‌مند می‌کند. موقعیت جغرافیایی ایران در برابر خورشید و تأثیرات فیزیکی آن و فرهنگ ستایش مهر در ایران باستان از یک سو و تعبیر قرآن از الله به مثابه "نور" آسمان و زمین، ادراک انسان ایرانی از خورشید را پی در پی به نحوی تکامل بخشیده که فهم‌های جدید او از منظومه هستی در طول یکدیگر قرار گیرند و درک دوران نوین از هستی، خورشید و نور در ادامه و تکامل بخش تصور اولیه او از خورشید به مثابه نهایت قدرت و منشأ نعمت و خیر بوده است. بنابراین ایران با جایگاهی یگانه نسبت به خورشید، زندگی انسان ایرانی را با آن عجین ساخته و این امتزاج باعث شده است زمین ایران تبدیل به سرزمین مهر شود و دل‌بستگی ایرانیان به سرزمینشان که برآمده از فهم آنان است ریشه در چیزی پیدا کند که با بیولوژی، فیزیک و زیست آنها مربوط می‌شود. مفهوم ایران را فقط با درک مفهوم مهر می‌توان شناخت؛ سرزمین مهر بیان دو مفهوم وحدت‌یافته زمین ایران و مهر است که شناخت آن وابسته به درک هر دو بعد خواهد بود. ■

پی‌نوشت

۱. منظور از ایران، ایران کنونی نیست بلکه پهنه فرهنگی و جهان ایرانی را دربرمی‌گیرد.

باعث پیدایش فصول می‌شود. با توجه به این زاویه و موقعیت ایران در کره زمین، پهنه زمین ایران در محلی قرار می‌گیرد که بیشترین دریافت خورشید را می‌یابد. علاوه بر این تصور کهن «ایران شهر»، اقلیم چهارم از اقالیم هفتگانه، به عنوان مرکز جهان در بین جغرافی دانان قدیم نیز با این برتری‌ها توجیه جغرافیایی می‌شود.

در کنار مؤلفه جغرافیایی و موقعیت قرارگیری زمین نسبت به خورشید، مشخصات محلی نیز در تعیین منطقه به عنوان زمین مسکون تأثیرگذار است. با توجه به اطلاعات جغرافیایی موجود، پهنه‌های ممکن و مناسب سکونت بر روی کره زمین محدود است و تمدن‌های کهن نیز در این مناطق به وجود آمده‌اند. پیدایش تمدن‌های ایران، بین‌النهرین، دره رود نیل، دره پنجاب و سیستان و ظهور کیش مهر به مثابه آیین ستایش خورشید در این مناطق تابع موقعیت ویژه قرارگیری آنها در برابر خورشید و برخورداری از ویژگی‌های محلی است که این موقعیت ویژه به درک آنها از هستی و نوع جهان‌بینی‌شان شکل می‌دهد و فهم و تلاشی متفاوت را به وجود می‌آورد.

تفکر و اندیشه مهر در رفتار ملت‌های این سرزمین تأثیراتی داشته و عناصری را تولید کرده که بررسی ریشه آنها بر اهمیت و نقش نور و خورشید در ساخت فرهنگ آنها صحه می‌گذارد.

◀ دهمین کارگاه نظریه‌های نو، در تاریخ ۹۲/۳/۱ تحت عنوان "سرزمین مهر" در محل پژوهشکده نظر با سخنرانی دکتر «سید امیر منصوری» برگزار شد.

حضور انسان عامل تمایز "زمین" با "سرزمین" است. در حقیقت، طبیعت بدون حضور انسان تنها فیزیک و کالبد است و معنایی ندارد. اما پس از حیات انسان در زمین و برحسب شرایط محیطی، ذهنیت و فهم او، که بخش بزرگی از آن ریشه در شرایط محیطی دارد، با آن تعاملاتی برقرار می‌کند. این تعامل که باعث می‌شود انسان زمین را براساس ذهنیت خود درک و تفسیر کند، مفهوم سرزمین را شکل می‌دهد. وجود دو واژه متفاوت زمین و سرزمین در زبان بر تفاوت معنایی این دو پدیده تأکید می‌ورزد؛ زمین بر کالبد و ماده، و سرزمین بر زمینی دلالت می‌کند که انسان در آن تاریخ داشته و آن را فهم کند.

فرض این است که: سرزمین مهر، وصف ادراک ایرانیان است از ایران؛ که در اثر تعامل تاریخی آنان با عوامل محیطی و از جمله تأثیرگذارترین آنها، وضعیت خاص خورشید در این نقطه از کره زمین پدید آمده است.

به صورت تجربی همواره شاهد نوستالژی ویژه‌ای برای ایرانیان نسبت به سرزمین ایران بوده‌ایم که در دیگر ملت‌ها کمتر دیده می‌شود. از یاد عناصر خاطره‌سازی چون دماوند، درکه و نقش جهان یا کباب و کوچه گرفته تا سبب شمیران و توت فرحزاد که باعث شده در زمین‌های دیگر به بازتولید آنها همت گمارند همگی گواه تعلق خاطر به عناصر سرزمینی است که در فرهنگ عامه یا آثار شاعران و بزرگان ادب و فرهنگ ایران یافت می‌شود. همه اتفاقات شاهنامه در مکانی تعریف شده و مشخص رخ می‌دهد درحالی که در آثار ادبی اروپا تا دوره مدرن نشانی از زمین و سرزمین نیست و اتفاقات، رویکردهای مجردی هستند که تعلق به جایی مشخص ندارند.

در راستای فرضیه پرسش این است که آیا زمین ایران نسبت به خورشید ویژگی خاصی دارد؟ پاسخ این پرسش را با تأکید بر این نظریه پیش می‌بریم که زمین، حیات خود را وام‌دار خورشید، به عنوان شرط اول حیات، است و اینکه آب به عنوان عامل آبادانی، شرط دوم تلقی می‌شود. همان‌طور که می‌دانیم محور زمین نسبت به خورشید ۲۳/۵ درجه انحراف دارد که



New Theories is a section of Manzar academic journal which is dedicated to the specialized workshops of Nazar Research Center that has started since 2009. It provides an opportunity for academics to share and discuss their findings as the result of delving into ancient themes. These theories are presented to readers as comprehensive reports.

The 10th workshop on the new theories was held in NAZAR research center on 20 May 2013. The workshop was titled "The Territory of Mehr" and featured a speech by Dr. Seyed Amir Mansouri.

The presence of man is a key factor that differentiates land from territory. In fact, Nature without human being is void of any spiritual aspect and is nothing but physical body. However, after a community establishes its presence anywhere in nature, it gradually starts to interact with nature through the mentality and understanding of its members - a large part of which is rooted in the nature around them. This interaction which makes man understand the land around him based on his understanding of the surrounding nature forms the basic concept of "territory". The existence of two different terms, "land" and "territory" shows that there are enough grounds to consider separate scopes of meaning for each of them. In other words, "land" concerns the material world whereas "territory" concerns a land in which a given community has lived in it and has a certain understanding about it.

The hypothesis is that: concepts such as "The Territory of Mehr" represent an understanding of territory - Iran¹ - typical to the Persian population. This understanding has been formed throughout the course of history and as a result of the interactions of the Iranians with the nature around them, especially the position of the Earth toward the Sun across the Iranian territory.

We are continuously facing with a specific kind of nostalgic feeling of Iranian people to their territory comparing to other nations.

One can easily see how the Persian literature is abundant with references like Mount Damavand, Darakeh Ravine, Naqsh-e Jahan or the traditional Kebab food and the old alleys as well as the apples of Shemiran and the raspberries of Farahzad which have made them to regenerate these concepts in other lands- concepts that exist by virtue of certain elements that represent themselves in the street talk or the literary masterpieces of great Persian poets and authors. All the events in Ferdowsi's Shahnameh occur in a certain place in the Iranian territory, while there is almost no trace of a "territories" and "land" belonging to a given country or territory in any European literary work until the modern era, but there are simply single approaches belonging to

The Territory of Mehr

Report by Padideh Adelvand

no particular territories.

In line with the same hypothesis, the question is whether Iran's position on the Earth is through a special angle toward the Sun? The answer to this question should be sought on the basis of the assumption that life of the Earth is strongly dependent on the presence of the Sun, at the first place and secondly on the presence of water. Furthermore, the role of water in the existence of life should not also be ignored. It has been approved that the Earth's axis is tilted at an angle of 23.5 degrees toward the Sun which will rise seasons. Iran's positioning on the Earth is in such a way that it has a vast reception of sunlight. This may provide enough grounds to believe the ancient concept that Iran represents the fourth climate format of the seven formats and was considered the center of the world among ancient geography experts.

Apart from the parameter of geography and Iran's angle toward the Sun, there are also certain local characteristics that help define a territory as settled land. Based on the available information, there are limited areas on the Earth that could have been appropriate for life and thus the ancient civilizations have arisen in these areas. The rise of Iranian civilization, the Mesopotamia, the Nile Valley, as well as the Punjab Valley, the Sistan and the emergence of religions like Mithraism in the same regions is another proof of showing the position of the Earth toward the Sun and local characteristics relating to this which have had a major effect on the formation of ideologies in ancient civilizations.

The concept and thought of Mehr has always had a specific influence on the beliefs of the people who have lived on the Iranian plateau in a way that has produced some key elements that could provide useful clues as to the significance of "Mehr" in the ancient beliefs of the Iranians culture. The elements such as "Mithraeun", "Fire temple", "Saqqakhaneh", "Muqarnas", "Miniature", "Zurkhaneh", "Sacrifice", "The Lion and Sun motif", "Cypress motif", "Norouz celebrations", "Yalda Night ceremony", "Sash window" and many other signs and symbols in Iranian literature illustrate the correlation of them with the culture of "Mehr".

In response to the question of the entity of Iran, it should be said that Iran is the "territory of Mehr", the land where human relation is

understood by means of Mehr. In other words, "The Territory of Mehr" is an interpretation of the human being who lives on a part of the Earth where the characteristic of Mehr is cherished the most.

But why the element of "Mehr" is so referred in Iran? Undoubtedly, the question can be found in the positioning of the Earth toward the Sun in the Iranian plateau which provides an appropriate precondition to the emergence of Mehr. The latitude of Iran results in a specific relation of the land with the Sun and thereafter the creation of specific climate and its four seasons giving an efficient variety of nature to the inhabitants in the sense of individual abilities. Overall, Iran's geographical position toward the Sun, the subsequent physical effects and the culture of worshipping of the Sun from one side and the explanation of the holy Quran from Allah as the light of the Sun and the Earth from other side, have been developed the interpretation of Iranian people of the Sun in line with his new understanding of existence considering the Sun as the source of authority, benevolence and goodness. These have made the Sun have a special role in the life of every Iranian. This eventually has made Iran the territory of Mehr and thus the love of the Iranians in their territory is the result of their natural understanding in what is related to the efficient natural conditions of their ancient habitat. The meaning of Iran can only be understood through the concept of 'Mehr'. The land of 'Mehr' includes two integrated concepts of the land of Iran and 'Mehr' and understanding this requires having an understanding over both these aspects.

Endnote

1. By Iran, the author does not mean the country which is known as Iran today. It is rather a reference to the cultural and global concept of the word "Iran".

